

دستور الملوك ميرزا رفيعا

بکوشش معمدتقی دانش‌پژوه

دبیر دانشگاه تهران

-۴-

فصل چهارم وزیر سرکار قورچی . شغل او آنست که ارقام ملازمت جمعی از قورچیان و یوزباشیان و یساولان قور که سررشته داد و ستد موجب ایشان با آن سرکار باشد نوشته ، سررشته بر طلب تنخواه موجب و تیول و همه ساله و انعام قورچیان و یوزباشیان و یساولان قور که چه مبلغ به آن طایفه داده شده ، و چه مبلغ باقیست ، و به چه خدمت مأمور شده ، و در ملاحظه سائها و کشیک حاضر یا غایب بوده ، نگاه دارند . و نسخه ای که از آن سرکار نوشته شود یا از اسفار آید ، در خدمت پادشاه و وزیر اعظم و ریش سفید او می خوانند ، و هرگونه اسنادی که در باب ملازمت آن صنف محکوم به شده باشد ضبط نموده ، رقم ملازمت و عنوان آن را می نویسد .
و کیفیاتی را که وزیر اعظم با قورچی باشی از سرکار مزبور حقیقت طلب نماید بعد از مستوفی ، او مهر می نماید .

و ارقام ملازمت و احکام تنخواه و همه ساله و تیول قورچیان که به او می رسد ضمن آنرا مستوفی خط می گذارد ، و وزیر مزبور در فوق خط مستوفی مهر می کند .
از رقم ملازمت و تیول و انعام تومانی دویست دینار ، و از براتی و همه ساله چهل و پنج دینار رسوم می کرد و یکصد تومان موجب داشته .
و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست بعد از منشی الممالک می نشیند .

فصل پنجم وزیر سرکار غلام . شغل او و مواجب و رسوم او به دستور وزیر قورچی است ، و در مجلس بعد از وزیر قورچی می نشیند .

فصل ششم وزیر سرکار تفنگچی و وزیر توپچی و شغل و رسوم مشارالیهما نیز بدستور شغل و رسوم وزیر قورچی و غلام است بی زیاد و کم ، نهایت مواجب هریک پنجاه تومانست .

و وزیر تفنگچی در مجلس طرف دست راست بعد از لشکر نویس دیوان اعلی و وزیر توپخانه در دست راست بعد از کلانتر اصفهان می نشیند .

فصل هفتم مستوفی موقوفات ممالک . شغل او آنست که وزرا و مستوفیان و متولیان و متصدیان و مباشرین موقوفات خاصه و ممالک محروسه همگی محاسبه خود را به دفتر موقوفات رسانیده ، مستوفی مزبور محاسبات را خط گذاشته ، اسناد خرج را نسخه کشیده ، مفصلا حساب و طوامیر نسق هریک از مزارات سرکارات را حسب الفرموده صدور قلمی ، و به هریک از متولیان و مباشرین موقوفات تسلیم می نمایند که از آن قرار داد و سند نمایند .

وارقام و امثله و اخطبه که صادر می گردید به مسوده دفتر موقوفات آنچه متعلق به خاصه بود محرران ارقام ، و آنچه متعلق به دیوان بود مثال نویسان مثال ، و در ضمن مثال محرران دارالانشاء حکم اشرف می نوشتند . و بعضی احکام نیز بود که به خاصه رجوع نداشت ، منشیان مزبور بایست بنویسند . و ارقام را بعد از مهر داروغه دفتر خانه مهر می نمود ، و در ضمن خط می گذاشت . و مشارالیه مأمور به امر صدور خاصه و عامه بود .

و مواجب او چهل تومان بوده . و رسوم از قرار صد سه از کل موقوفات و بدل اجارات می گرفته .

و در مجلس بهشت آیین طرف دست چپ بعد از امیر آخور باشی صحرا و بالاتر از محتسب الممالک می نشیند .

فصل هشتم در بیان شغل محتسب الممالک . خلعت مزبور در قدیم الایام بسیار

عظیم بوده است ، بلکه اکثر امور مرجوعه به شیخ الاسلام و قضات و صدور متعلق به محتسبان بوده ، نهایت هریک در عصری از محتسب تغییر یافته به دیگری مرجوع شده .

حال شغل او آنست که بعد از آن که صاحب نسق ماه به ماه التزام در باب قیمت اجناس از ریش سفیدان هر صنف گرفته خاطر خود را جمع نموده ، حقایق که عالی جاه ناظر بیوتات در باب تسعیر هر جنس طلب نماید به عرض رساند که بعد از تجویز ناظر بیوتات از آن قرار مشرفان محاسبه صاحب جمعان بیوتات معموره را مفروغ سازند .

و در باب تسعیرات اجناس که اصناف به مردم شهر می فروشند اگر احدی از قرارداد او تخلف نماید ، آن کس را بفرموده محتسب الممالک تخته کلاه بر سر می گذارند تا موجب رسوائی و عبرت دیگران گردد که تخلف از تسعیر مقرر ننمایند .

و در همه ولایات نایب تعیین می نماید که از قرار تصدیق نایب مشارالیه اصناف هر محل ماه به ماه اجناس را به مردم فروشند .

و برین موجب موجب و رسوم :

موجب پنجاه تومان ، رسوم دویست و نود و دو تومان و هفت هزار و یک صد و

چهل و سه دینار .

دارالسلطنة قزوین و غیره هفتاد و نه تومان و ۹۶۹۰ دینار :

قزوین ۱۶ تومان و ۱۰۰ دینار :

همدان ۱۰ تومان و ۷۳۷۰ دینار .

کرمان ۳ تومان و ۷۳۰۰ دینار .

مشهد مقدس ۱۰ تومان .

اردبیل ۱۲ تومان .

کاشان ۲۱ تومان و ۱۲۲۰ دینار .

دارالسلطنة تبریز و نواحی ۶۰ تومان :

تبریز ۴۸ تومان و ۴۵۰۰ دینار :

فارس ١١ تومان و ٥٥٠٠ دينار .

قبانات وغيره ٥٢ تومان و ٧٤٥٣ دينار .

قبانات ٤ تومان .

خوي ١ تومان و ٥٠٠ دينار .

گرمروود ٧ تومان .

انكوب ١ تومان .

سراب ٥ تومان .

مغانات ٤ تومان .

زنوز ٥٠٠٠ دينار .

مرند ١ تومان و ٥٠٠ دينار .

جوانشير ٥ تومان .

مازندران ١٠ تومان .

رشت ٢٠ تومان .

طرح ٢ تومان .

هرات ٢٠ تومان .

آختاباد ٣ تومان .

عباس آباد گنجه ١٠ تومان .

قلعه ابروان ٩ تومان .

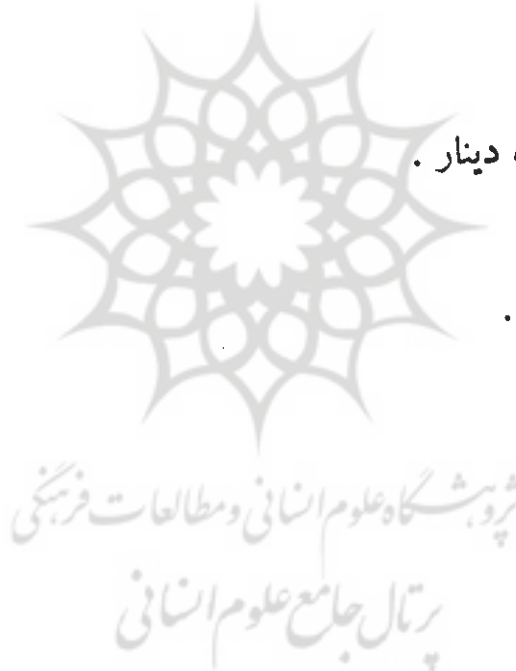
بلده اورمي ١٠ تومان .

تومان نخجوان ١٦ تومان .

يزد ١ تومان و ٣٠٠ دينار .

بلده وتوابع مراغه ٩ تومان .

دزمار ٤ تومان .



شؤبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

قصبه زکم ۲ تومان .

قصبه اردوباد ۱ تومان و ۲۰۰۰ دینار .

بردع ۳ تومان .

نابین ۵ تومان و ۷۴۵۳ دینار ، دارد .

و در مجلس بهشت آیین طرف دست چپ بعد از مستوفی موقوفات می‌نشیند .

فصل نهم در بیان شغل لشکر نویس دیوان اعلی وزیر سرکار ملازمان و آقایان و

قوشچیان که داخل غلام نباشند و یساولان و قاپوچیان دیوان و حرم و مؤذنان و عمله بیوتات و ارباب طرب و عمله باغات و عمارات و سایر ملازمان مثل داغستانی و گرجی و اعراب و اوزبیک و غیر هم است .

و کیفیات مواجب و تیول و همه ساله و انعام و اقطاع و سیورغالات و معافیات ایشان ، و ارقام و احکام مواجب براتی و همه ساله کل امراء عظام و بیگلربیگیان و حکام کرام و سلاطین و خوانین ذوی الاحترام در گاه معلی و سرحد ، و ارقام مناصب جماعت مزبوره و کل عمال و مستوفیان عظام و ریش سفیدان جزء و کل و محرران دفترخانه و وزراء و مستوفیان عموماً و اطباء و منجمین و ناظران و کلانتران ، و ارقام و احکام طلب و تنخواه امراء و مقربان در گاه و آقایان و قوشچیان و یساولان و قاپوچیان دیوان و حرم و صاحب جمعان و مشرفان و عمله بیوتات که غیر غلام باشند ، و ارقام و احکام سیورغالات و معافیات و اجارات و وظایف و طوامیر یساقیان و چریک به مهر او می‌رسید .

و تحریر ارقام ملازمت جماعت مزبوره ، سوای ارقام امراء و بیگلربیگیان و حکام و سلاطین و غیر هم و آنچه بالمشافهه است که مختص واقعه نویس است ، با لشکر نویس می‌باشد ، و در جنگهایی که پادشاه حاضر باشد ، او باید در خدمت پادشاه حاضر بوده هر کس که سر و آخر اخترمه (؟) آورده جوانی کرده باشد او بنویسد ، تا بعد از آن فراخور جانفشانی هر کس جایزه و جلاد (؟) که به خاطر مبارک پادشاه رسد به او عنایت شود .

و در اسفاری که سرداران و سپهسالاران مأمور شوند به جهت تحریر نسخه تشخیص

حضور و غیبت عساکر نایبی از مشارالیه همراه می‌باشند. و در روزهای سان جماعتی که داد و ستد ایشان با سرکار سرخطاست لشکر نویس به اتفاق سرخط نویس نسخجات سان را می‌خوانده و می‌نوشته‌اند.

و مبلغ سه تومان و نه هزار و هشتصد و چهل و سه دینار تیول داشته، برآوردی آن هجده تومان و هشت هزار و یکصد و پنجاه و پنج دینار می‌شده، و یازده تومان و سه هزار و پنجاه و نه دینار عوض تیول داشته.

و برین موجب رسوم دارد:

از بابت تیول و آقایان و مقربان ۲۵ دینار.

از بابت تنخواه مواجب همه ساله ۱۶ دینار.

از بابت براتی ۸۰۰۰ دینار.

از بابت اجاره آب ۱۸ دینار.

از بابت انعام امرا و آقایان و مقربان و سیور غالات و معافیات و مسلمیات و تخفیف و اقطاع تملیک و مواجب و حق السعی عمال و جمعی که ملازم می‌باشند ۵۰ دینار.

از بابت تنخواه براتی و همه ساله مقربان و یساولان و بکاولان سوای قلقچیان بیوتات ۴۰ دینار.

و در مجلس بهشت آیین تاج مندیل پیچیده بی طومار بر سر می‌گذارد، و طرف دست راست بعد از وزیر غلام می‌نشیند.

فصل دهم در بیان شغل کلانتر اصفهان. مشارالیه از جمله اشراف و اعیان است.

و شغل او اینکه کدخدایان محلات و اصناف محترفه که نزد نقیب الملکی اعتراف به رضامندی خود نموده، رضانا مچهره به مهر نقیب رسانیده، نزد کلانتر آورده، تعلیقه باز یافت نمایند. و رؤساء محال را نیز وزیر و کلانتر هر دو مختارند که به رضامندی چهار دانگ رعیت هر محل تعیین نمایند.

و تتمه شغل کلانتر اینست که در سه ماهه اول هر سال محصل تعیین، و اصناف

محترفرا جمع نموده، نزد نقیب فرستاده به تصدیق کدخدایان و سرجوقان هر صنف نتیجه خود را مشخص، و به مهر نقیب رسانیده، نزد کلانتر آورند. و کلانتر نتیجه مزبوره را رقم نماید که به ثبت سر رشته محصص مملکت رسانند. و پروات دیوانی و مواجب قابض و سایر استصوابیات مملکتی که در آن سال روی نماید بر بنیچه مزبور موافق دستور و معمول تقسیم و سویت نموده، توجیه نامه را به مهر کلانتر رسانیده، از آن قرار ارباب حوالات بازیافت نمایند.

و چند نفر از ملازمان دیوانی به تائینی کلانتر مقرر بوده که خدمات دیوانی را به تقدیم رسانند. و تمیز و تشخیص و رسیدن به گفتگویی که اصناف مزبوره و سکنه محلات در باب کسب و کار و شغل و عمل خود بایکدیگر داشته باشند، و رفع جبر و تعدی که بر یکدیگر می نموده باشند، بااوست.

و چون وکیل رعیت است عرض مطالب ایشان به خدمت پادشاه یا به سایر ارباب اختیار، و رفع جبر و ظلم و ستم و تعدی که بر رعایا روی نماید، و اجرای مضامین ارقام و احکامی که اصناف در باب شغل و عمل خود صادر نموده اند، در عهده مشارالیه است. کدخدایان محلات و استادان اصناف به نصب او منصوب و به عزل او معزول می باشند، و احدی را مدخلیتی نیست.

و مبلغ [...] از وجوهات به صیغه مواجب در وجه مشارالیه مقرر است. و سوای آن رسوم معمولی دارد که هر ساله از اصناف بدستور مقرر بازیافت می نماید. و در مجلس بهشت آیین طرف دست راست بعد از وزیر تفنگچی می نشیند.

فصل یازدهم در بیان شغل مستوفی قورچی است. شغل او آنست که بدستور محرر

سر رشته بر نفری، و طلب و تنخواه، و غیبت و حضور، و تشخیص همیشه کشیک و رکابی بودن هر طایفه، و مأمور بودن هر یک به خدمت مقرر، و به اسفار سانحه نگاهدارد. و کیفیات و طوایر و نسخجات سان عساکر، و هرگونه کیفیت و نسخه که محرران سرکار قورچی می نویسند، و از سرکار مزبور می گذرد، اولاً به مهر مستوفی، و بعد از آن به مهر

وزير مي رسد . و در آخر هر سال نسخه بر اخراج و متوفي و غيبت اسفار ساخته ، درست داشته ، به قلم سرکار جمع مي دهد که آنچه از موجب ايشان به جهت سرکار ديوان ضبط شود به کفايت ماليات ديواني بازيافت و ضبط نمايند .

وازن تعيين موجب و انعام تيول از قرار توماني يکصد دينار و از تنخواه براتي و همه ساہ بيست و پنج دينار رسوم در وجه او مقرر ، و موجب او مبلغ پنجاه تومانست . و چهار نفر محرر ملازم ديواني دارد .

و در مجلس بهشت آيين طرف دست راست بعد از وزير توپخانه مي نشيند .

فصل دوازدهم در شغل مستوفي سرکار غلام و تفنگچي . شغل و رسوم هر دو بدستور مستوفي قورچي است . و استيفاي سرکار توپخانه هميشه با مستوفي غلام بوده که به همين مبلغ سي تومان مواجبي که داشت آن خدمت را هم به تقديم مي رسانيد . و چهار نفر محرر در هر دو سرکار ملازمند .

و در مجلس بهشت آيين در طرف دست چپ بعد از ناظر دفترخانه مي نشست .

فصل سيزدهم در بيان شغل مستوفي سرکار توپخانه مبارکه که شغل و رسوم و موجب او بدستور مستوفي غلام است .

فصل چهاردهم در بيان شغل ضابط دوشلک و کيل . خدمت او آنست که ارقام و احکام تيول و همه ساله و تنخواه و انعام امراء و مقربان و آقايمان و سيورغالات و معافيات و مسلميات و اجارات و انعام جمعي که ملازم نباشند ، و اقطاع تملیک و ارقام و احکام منصب عمال که از دفتر مي گذرد به او مي رسد . دوشلک و کيل که بايد به جهت ديوان ضبط شود آنچه را نقد مي گيرد ابواب جمع اوست که در سال به ده نيم او حساب ، و به زياد و کم رجوع مي شود ، و آنچه را سند از مؤديان مي گيرد با تحقيق پيروي نموده داخل نسخه مي کند ، از سرکار خاصه تنخواه ارباب حوالات مي نمايند . و آنچه دوشلک و کيل شود ده نيم آن به صيغه رسوم متعلق به اوست .

و در ازمنه سابقه مواجبي نداشت ، نهايت در زمان شاه سلطان حسين مبلغ پنجاه

تومان موجب در وجه او مقرر شد .

و در مجلس بهشت آیین بعد از مستوفی قورچی می‌نشیند .

فصل پانزدهم شغل مستوفی اصفهان . آنست که حواله و اطلاق وجوهات و محصولات بعد از رقم وزیر اصفهان، و تنقیح و تشخیص محاسبات رعایا و مؤدیان وجوهات و محصولات بعد از رقم وزیر اصفهان، و تنقیح و تشخیص محاسبات رعایا و مؤدیان وجوهات دیوانی ضبطی وزیر مزبور، مختص مشارالیه است . [و بدون مهر او] داد و ستد وجوهات و محصولات نمی‌شود . و محاسبه کل رعایا و مؤدیان بعد از تشخیص تسعیر قوس هر سال که عمال و مأمورین موافق دستور و معمول مشخص نموده باشند در دفتر مفروغ و مفاصا حساب به مهر مستوفی به مؤدیان داده می‌شود . و نوشتن طو امیر توجیه مرد الاغ دار و بیلدار و نظایر آن که بر سر جمع باید تقسیم شود ، آن نیز در دفتر اصفهان از قرار اسناد حسابه که به رقم وزیر دیوان اعلی رسیده باشد نوشته ، به سرکار خاصه رسانیده ، اگر سخن حسابی و دقت دفتری داشته باشد مستوفی خاصه به عمل می‌آورد .

و در مجلس بهشت آیین به طرف دست راست بعد از ضابطه دوشلک و کیل می‌نشیند .

و مبلغ شصت و پنج تومان موجب دارد . و رسوم او بر این موجب می‌شود .

فصل شانزدهم در شغل ملک الشعراء . خدمت او اینکه هر سال که تحویل آفتاب

به حمل می‌شود باید پیشتر قصیده‌ای در مدح و ثنای پادشاه یا در تعریف بهار گفته باشد ، و آن روز که عید نوروز است بیاورد ، و در مجلس عام در خدمت اقدس بخواند ، و به جهت ابنیه و عمارات پادشاهی که تازه احداث می‌شود تاریخی بگوید . و مثنوی و قصیده که در هر باب امر اشرف صادر شود در سلک نظم کشیده رساند .

و مشارالیه از جمله ندیمان پادشاه می‌باشد .

و پنجاه تومان موجب و نه ماهه تیول و همه ساله از میدان عربان و کاشان و غیره

در وجه او مقرر است .

و در مجلس بهشت آیین در طرف دست چپ بعد از داروغه دفتر خانه همایون می‌نشیند .

باب پنجم در بيان شغل و خدمت مقرّبانى كه لقب مقرب الحضرة مختص ايشان بود،
و اين باب مشتملست بر شش مقاله :

مقاله اول در بيان شغل و خدمت آنانى كه در مجلس بهشت ، آيين مى نشستند . و اين
مقاله مشتملست بر دو فصل :

فصل اول در بيان شغل مقرب الحضرة العلية ناظر دفترخانه همايون اعلى .
شغل مشاراليه آن بود كه ارقام ملازمت و احكام هر منصب و هر خدمت و سيورغالات و
معافيات و وظائف و مدد معاش و تنخواه و همه ساله و تيول امرا و عساكر و آنچه از دفتر
مى گذشت ضمن آنها به مهر او مى رسيد . و افراد محاسبات عمال و مؤديان كل ممالك محروسه را
بايست تصحيح نموده خط بگذارد .

و در بعضى از مننه يك نفر نويسنده بوده ، و در بعضى از مننه هشت نفر نويسنده
داشته كه حسب الصلاح ناظر ارقام و احكام همه سالجات و تنخواه و تصديقات و غيره كه
از سركارا مى گذشت ايشان نيز ثبت نموده ، خط مى گذاشتند ، و يك نفر ديگر در حين
گذشتن محاسبات و ارقام و احكام و تصديقات بعد از تصحيح « به نظر رسيد » مى نوشت .
و مبلغ ۲۵ تومان و ۶۸۲۱ دينار بر آوردى تيول و صد تومان مواجب و بدین موجب :

از بابت امراء و مقربان و آقايان ،

از بابت عساكر ۴۰۰۰ دينار ،

تيول اصل جمع امراء ۷۱۰۰ دينار ، براتى ۲۰۰۰ دينار ،

همه ساله امراء و غيره ۴۰۰۰ دينار ،

دفعه از قرار مواجب و انعام و تيول ۵۰ دينار ،

دفعه از همه ساله و براتى ۲۰ دينار ،

از بابت مواجب و حق السعى عمال و معافى و سيورغال و انعام امراء و جمعى كه ملازم

ديوان باشند ۱۴ دينار ،

از بابت اجارات ۱۴ دينار و دو چارك ،

رسوم در وجه او مقرر بود .

و در مجالس باتاج و طومار در طرف دست چپ بعد از قورچی رکاب می نشست .
فصل دوم در بیان شغل مقرب الحضرت العلیة العالیة داروغه دفترخانه . شغل او آن بود که عمله دفترخانه از عزب و فراش و کلید دار و سقا تابین او می باشند . و آنچه از ارقام و احکام و پروانجات که از دفتر می گذشت و در هر باب صادر می شد ضمن آنها به مهر او می رسید . و وصل ارقام و احکام و نسخجات نقل جمع را که به عمال و لایات داده می شد، مهر می کرد .

و از قرار رقم از منته سابقه احضار مؤدیان محاسبات به عهده او بود که به موجب تعلیقه خود احدی از عمله دفترخانه را محصل نموده ، مؤدی محاسبه را یا وکیل او را احضار نموده که مستوفیان محاسبه او را تنقیح دهند .

و تعیین و عزل عمله مزبوره به تصدیق او و ناظر دفترخانه و تجویز عالی جاه مستوفی الممالک می شده .

و مبلغ پنجاه و هشت تومان و هشت هزار و کسری مواجب و تیول داشته . بعد از آن تیول بسطام آقای داروغه دفترخانه زمان گیتی ستانی که بر آوردی آن قریب به دو بیست تومان می شده به او داده شده بود .

هفتاد و سه تومان و هفت هزار و چهار صد و سی دینار رسوم محلی بر این موجب داشت که از مؤدیان بازیافت می نمود :

از بابت امراء و مقربان و آقایان به قرار تومانی : تیول ۷۵۰۰ دینار، براتی ۲۰۰۰ دینار، همه ساله ۵۰۰ دینار .

از بابت انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و معافی و مسلمی و اقطاع تملیک به قرار تومانی ۱۷ دینار .

از بابت اجارات ۵۰۰ دینار .

از بابت تنخواه یک ساله امراء و مقربان و آقایان به قرار تومانی ۲۰۰۰ دینار .

تیول ۷۵۰۰ دینار . همه ساله ۵۰۰ دینار . براتی ۲۰۰۰ دینار .

و در مجلس باتاج و طومار بعد از مستوفی غلام طرف دست چپ می نشست .
مقاله دوم در بیان شغل آنانی که در مجلس بهشت آیین می ایستادند ، سوای توشمال باشی
 که مقرب الخاقان بود و می ایستاد ، و در باپ سیتم در تحت اسم جمعی که مقرب الخاقان بودند
 مرقوم شده . و این مقاله مشتمل است بر سه فصل :

فصل اول مقرب الحضرة العلیة العالیة سفره چی باشی . شغل او آن بود که در سفر
 و حضر و در مجالس حاضر باشد ، و در وقت طعام و شیلان سفره را در خدمت پادشاه بر زمین
 گسترده ، و به آداب تمام به دوزانو نشسته خدمت مرجوعه به خود را به تقدیم بماند .
 و تاج و طومار نیز بر سر می گذاشت .

و مبلغ ۳۶۰ تومان و ۵۸۰۰ دینار موجب و تیول در وجه او مقرر بوده .
فصل دوم مقرب الحضرة العلیة العالیة جلودار باشی . شغل او آن بود که باید در
 سفر و حضر و در وقت سواریهای پادشاه حاضر باشد ، و لمحهای غافل نشود . و کتلهای
 خاصه را که حاضر ساختند اسبی که پادشاه سوار می شود جلو آن اسب را نگاهدارد ،
 تا پادشاه به دولت و سعادت سوار شود .

و در مجلس بهشت آیین باتاج و طومار پایین دست مین باشیان تفنگچی می ایستاد .
 و مبلغ ۱۲۸ تومان و ۷۲۰۰ دینار موجب و تیول در وجه او مقرر بوده .
فصل سیتم مقرب الحضرة العلیة العالیة مهماندار باشی . شغل او آن بود که از
 هر ولایتی که ایلچی و میهانی به درگاه معلی می رسید ، بایست او با وزیر و کلانتر اصفهان جا
 و مکان به جهت نزول ایشان معین گردانند ، و ایشان را استقبال نموده بدان منزل فرود
 آورند ، و اخراجات ایشان را بر آورد ، و نفری ایشان را به شماره در آورده به عالی جاه وزیر
 دیوان اغلی عرض ، و از هر وجه و هر مبلغ که مقرر شود خواه خام و خواه پخته و خواه نقد
 در عهده مهماندار باشی مشارالیه است که باز یافت ، و وصول و واصل میهانان سازد .
 و در وسط مجلس بهشت آیین باتاج و طومار نزدیک یساولان صحبت می ایستاد .
 و مبلغ [...] تومان موجب و شش ماهه تیول در وجه او مقرر و از آن جمله بیست و
 هشت تومان و چهار هزار و هشتصد و نود دینار همه ساله بوده .

مقاله سیم در بیان شغل آنانی که ایضا از جمله مقیمان مجلس بهشت آیین بودند . و این مقاله مشتمل بر نه فصل است :

فصل اول در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة داروغه اصفهان^۱. مشارالیه از جمله مقربانست لیکن جزو عالی جاه دیوان بیگی بود . و خدمت مزبور اکثر اوقات به والی زادگان گرجستان مرجوع و مفوض می گردید . و شغل مشارالیه اینکه اصل شهر و خارج شهر را محافظت می نمود که احدی مرتکب و پیرامون خلاف حساب و ظلم و نزاعی نگردد ، و امور خلاف شرع و فاحشه و شراب و قمار و سایر امور نامشروع را قدغن می نماید که کسی مرتکب نشود . و هرگاه احدی مرتکب می گردید او را تنبیه و منع و زجر بلیغ ، و فراخور و تقصیر و قدر استطاعت جریمه از مجرمان بازیافت می نمود .

و شبها بعد از آنکه سه ساعت بخوبی می گذشت اولاً ساعتی در درب قیصریه توقف ، و بعد از آن با جمعی از توابعین خود سوار شده ، هر شب یک سمت شهر را خود ، و سمت دیگر را احداث با توابعین می گردیدند ، و وقت تقاره سحر مراجعت می نمودند .

و معمول بود که از سرکارات قورچی و غلام و آقایان و تفنگچی و توپچی جمعی به تابینی او مقرر بوده ، حسب الصلاح مشارالیه به خدمات قیام نمایند . و جماعت مذکور را به نحوی که مناسب و ضرور می دانست به سرکردگی شخصی از ایشان که او را سر دسته می نامیدند در هر محله ای از محلات شهر تعیین می نمود که روز و شب در آن محله بوده به محافظت و محارست قیام نمایند که کسی مرتکب ظلم و خلاف حساب و نامشروعی نگردد . و آنچه در آن محله به وقوع رسد چگونگی آن را به عرض داروغه رساند که او تمیز و تشخیص و بازخواست نماید . و هر شب باجماعت دسته خود آن محله را گردش نمایند .

و چنین دستور بوده که دعوای کم تا پنج تومان و ده دوازده تومان را اعم از آنکه در اصل شهر یا دهات بوده باشد ، داروغه فیصل دهد . و زیاده بر این را دیوان بیگی احضار و قطع و فصل کند .

۱- جغرافیای اصفهان تحویل دار ، ص ۱۲۵ .

و نیز معمول بوده که اگر احدی در حبس داروغه یا عسس فوت شود، اگر دوستان پادشاهی باشد به عالی جاه دیوان بیگی اعلام، و حسب التعلیقه دیوان بیگی غسل باشی ملاحظه نموده، اگر اثر ضربتی نداشته باشد نوشته از غسل باشی گرفته، مرخص می شدند که دفن نمایند. و چنانچه اثر ضرب داشته باشد، اعم از آنکه دوستان شاه یا غیر آن بوده باشد، عالی جاه دیوان بیگی به حقیقت می رسیده بعد از ملاحظه و عرض غسل باشی، اگر بی جهت حسابی مقتول نموده بودند به خدمت اقدس عرض نموده بازخواست می شد. و ضابطه کلیه و فرق فیابین دیوان بیگی و داروغه آنست که آنچه را داروغه دخل تواند نمود دیوان بیگی دخل می تواند کرد، بعد از آنکه به دیوان بیگی رسید داروغه را در آن دخلی نیست^۱.

و احداث^۲ که به اصطلاح او را «میرشب» خوانند جزو داروغه است. و او نیز باجمعی که با خود دارد شبها در محلات می گردید که دزدی که در محلات واقع شود در روز به عرض داروغگان رساند. و درجائی که دزدی واقع می شد مالی که میرشب بدست می آورد بعد از برداشتن دودانگ از مال که موافق معمول متعلق به او بود، تنمه^۳ مال را که چهار دانگ بوده باشد می بایست به اطلاع دیوان بیگی و داروغه و صاحب مال رساند. و اگر دزد را بدست نیاورده باشد از عهده^۴ غرامت مال دزدی از عین المال خود بیرون آید.

و در ازاء خدمت مزبور مبلغ ۳۰۰ تومان تبریزی به صیغه^۵ مرسوم داروغگی از وجوه صادر مملکت در وجه مشارالیه مقرر بود که عاید او گردد. و طریقه^۶ بازیافت آن به این نحو بود که نویسنده ای از جانب وزیر و نویسنده ای از جانب کلانتر در خانه مشارالیه می بود که سررشته بر بازیافت وجوه جرایم نگاه می داشت، و در آخر سال بر آورد نموده، اگر معادل سیصد تومان شده بود فهو المطلوب، و اگر منکسری داشت وجه منکسرا عمال اصفهان داخل طومار صادر مملکت آن سال نموده به داروغه از دفتر جزو اصفهان

۲ - تذکره : اهدائی.

۱ - تذکره الملوک، ص ۴۸.

تنخواه می دادند . و اگر زاید بوجه مزبور به عمل آمده بود به اسم او ابواب جمع و تنخواه ارباب حوالات دیوانی می نمودند .

و در این ایام چون وجوه صادر مملکت به مبلغ معین در دفتر جزو اصفهان در تحت مالیات دیوانی ابواب جمع ارباب و رعایا شده . لهذا وجه مزبور تنخواه داده خواهد شد . و در مجلس بهشت آیین با تاج و طومار در وسط مجلس مابین کارخانه آقاسیها و بساولان صحبت می ایستاد .

فصل دوم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة داروغه فراشخانه . شغل او آن بود که در سفر و حضر در مجالس خاص و عام حاضر باشد، و تحفه و پیشکشی که به مجلس می آوردند از گُل و غیره بدست می گرفت و می برد . و در خدمت پادشاه بر زمین می گذاشت . و در مجلس بهشت آیین با تاج و طومار می ایستاد .

و مبلغ ۱۰ تومان و ۷۵۶۰ دینار موجب و بر آوردی تیول ، و نود و پنج تومان کسری از خیاطان و نقاشان و غیره بر این موجب رسوم در وجه او مقرر بود :

رسوم موافق زمان جنت مکان، دفعه از اصناف مزبوره و در عوض آن نود و پنج تومان از دفترخانه می گرفته اند خیاطی ، نقاشی ، جیق بافی ، نوار بافی و طناب بافی ، شلیطه بافی ، صباغی ، شماعی ، خراطی ، دباغی ، قصاری ، دقایی ، جولاهی ، شعر بافی ، قالی بافی ، دلالی قالی ، کیالی ، . . . ، پینه دوزی ، سفره دوزی ، ریخته گری ، حمالی ، علاقه بندی ، حلاجی .

دفعه از بابت آنچه مصالح از خانه بر محل برات نماید رسم التحصیل آن تعلق به او دارد .

از بابت آنچه به انعام دهند ۱۱۰۰ دینار ، مقرر ارشد داروغه چهار هزار دینار .

فصل سیم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة دواتدار مهر مهر بزرگ .

شغل او این بود که پروانجات و احکام و نشان و شجرات و غیرهم را بعد از آنکه از دفاتر می گذشت و مقرب الخاقان منشی الممالک طغرا می کشید ، بر کیسه گذاشته به مهر اقدس می داد . و مشارالیه در سلک قورچیان می بود .

و مبلغ ۷ تومان و ۷۴۱۰ دینار موجب و به قید حسب الالکا تیول داشته که برآوردی آن مبلغ ۲۴ تومان و ۱۴۳۶ دینار می شده و بر این موجب رسوم داشته :

از بابت تیول همه ساله امراء و براتی : تیول امراء و اصل جمع ۲۵ دینار ، همه ساله و تیول برآوردی به قرار تومانی ۱۶ دینار ، براتی از قرار تومانی ۸۰۰۰ دینار .

از بابت موجب و حق السعی عمال و سیور غالات و معافی و اقطاع تملیک و انعام امراء و جمعی که غلام نباشند به قرار تومانی ۵۰ دینار .

از بابت اجارات محال و وجوهات دیوانی ۱۸ تومان و ۶۰۰ دینار .

و در مجلس بهشت آیین بعد از قورچیان یراق باتاج و طومار می ایستاد .

فصل چهارم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة دواتدار مهر انگشتر آفتاب

اثر . شغل مشارالیه آنکه ارقام بالمشافهه و بیاضی و دفتری که از سرکار خاصه می گذشت و عالی جاه مجلس نویس طغرا می کشید . و فصول هر کس که به جواب می رسید ، در کیسه گذاشته سر آن کیسه را خود مهر نموده به اندرون حرم می فرستاد که به مهر اقدس محلی گردد . و بعد از آنکه کیسه از مهر بر می آمد هر رقم و فصولی را به صاحبانش می رسانید .

و مشارالیه در سلک قورچیان ملازم .

و مبلغ ۳۰ من تبریزی موجب و تیول داشت که برآوردی آن چهل و سه تومان کسری می شد .

و در مجالس باتاج و طومار در صف قورچیان یراق پهلوی دواتدار مهر بزرگ که قدیمی است می ایستاد .

و در پیچی ثیل سنه ۱۱۱۷ زمان شاه سلطان حسین رقمی صادر نمود که از برآوردی تیول و موجب و حق السعی عمال از قرار تومانی یکصد دینار رسوم باز یافت نماید ، و قبل از این معمول نبود . و از اجارات محال خاصه همان هیجده دینار و یک دانگ و نیم رسوم قدیمی را باز یافت می نمود .

فصل پنجم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة مین باشی غلامان جزایری .

شغل او اینکه در سفر و حضر بایست همیشه در رکاب ظفرانتساب حاضر باشد . و شبها باتواین خود به نوبه به کشیک آمده به خدمت کشیک قیام نمایند . و مواجب او و تواین او از قرار تصدیق و تجویز عالی جاه قوللر آقاسی بعد از آنکه به رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده باشد داده می شد .

و مبلغی مواجب و تیول در وجه او مقرر بود .

و در مجلس بهشت آیین باتاج و طومار بعد از ایشیک باشی حرم می ایستاده .

فصل ششم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة مین باشیان تفنگچی قلجی چلو . شغل مشارالیهها آن بود که در سفر و حضر همه جا در رکاب ظفرانتساب حاضر ، و در خدمت باشند ، و شبها به نوبه به کشیک آیند ، و در قورقها نیز همراه عالی جاه تفنگچی آقاسی باشند ، و به خدمت متعلقه به خود اقدام نمایند .

و در مجلس بهشت آیین باتاج و طومار بعد از مین باشی ملازمان می ایستادند .

و مبلغی مواجب و تیول در وجه ایشان مقرر بود .

فصل هفتم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة مین باشی تفنگچی اصفهان . خدمت او آن بود که بایست همیشه در دارالسلطنة اصفهان بوده باشد ، خصوصاً وقتی که پادشاه در سفر باشد ، و شبها در کشیک دولت خانه مبارکه باتواین خود حاضر شوند ، و روزها نیز حاضر باشند .

و مواجب تواین او بعد از تصدیق و تجویز عالی جاه تفنگچی آقاسی که به رقم وزیر دیوان اعلی رسیده باشد داده می شد .

و در مجلس بهشت آیین بعد از مین باشیان تفنگچی مزبوره باتاج و طومار می ایستاد .

فصل هشتم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة میراب دارالسلطنة اصفهان . از جمله مقربانست . و خدمت مشارالیه این بود که در شب نوروز قدغن و تآکید نماید که رعایا مادیها و انهار و جداول متعلقه به خود را به دستور مقرر و معمول تنقیه نمایند ، و آب زاینده رود را در عرض سال به تمامت محال که حقیابہ دارند به نوبه و رسدی که از

قدیم الایام الی الآن معمول و مستمر است به هر محل رسانیده که از اقویا برضعفا جبری و تعدی و ستم شریکی واقع نشود . و تعیین مادی سالاران به جهت مادیهای رودخانه زرینه رود به عهده مشارالیه بود ، و به نصب او منصوب و به عزل او معزول می باشند . و هرگونه دعوائی و گفتگویی که در باب آب زاینده رود احدی می داشت تمیز و تشخیص آن در عهده مشارالیه بود . و بعضی اوقات در باب بعضی از دعاوی کلیه اربابان و رعایا که حسب الامر الاعلی مقرر می شد با وزیر دیوان اعلی مأمور می ساخت . وزیر و کلاتر و مستوفی اصفهان نیز به اتفاق مشارالیهها به محال رفته جوی و جدول و نهر و مادی و تشخیص حقا به هر محل را از روی دفاتر دیوانی نموده ، به شعور و صواب دید یکدیگر مقرون به حق و حساب و معمول و استمرار سنوات بود قطع و فصل دعاوی می نمودند ، و بر طبق آن ارقام و احکام بسیاری صادر گردیده معمول و مستمر است .

و سواى رسوم معمولی که در جزو از رعایا ، هر محل به علت خاک آب و دون آب بازیافت می نمود ، قدری هم نقدا جنساً از سرکار خاصه شریفه در وجه مشارالیه مقرر بود که هر ساله از دفتر بازیافت می کرد .

و در مجلس بهشت آیین باتاج و طومار می ایستاد .

فصل نهم در بیان شغل مقرب الحضرة العلیة العالیة ناظر دواب . شغل او این بود که به اتفاق امیر آخور باشی صحرا در نسق قورقات و مراتع ایلخیان و سان ایلخیه و نتاج و تصدیق خدمت و ملازمت امیر آخوران و بلوک باشیان و سایر عمله ایلخی صحرا شریکند ، و ضبط سر رشته گله بانان و داد و ستد محالی که به جهت اخراجات ایلخیان و مرسوم عمله ایلخی به همه ساله مقرر بود مختص مشارالیه بود ، و احدی را دخلی در آن نبوده . و تمغای نتاج ایلخیان و شتران عروانه و گوسفندان به عهده ایشیک آقاسی باشی و امیر آخور باشی ایلخی و ناظر دواب و مشرف ایلخی بود .

و یکصد و پنجاه تومان مواجب و از ابتیاع جل و یراق طوایل باباشیخ علی ده نیم معمول ، و از جمله ده نیم ده یک رسوم داشته .

وبا تاج و طومار بعد از مین باشی تفنگچی اصفهان در مجلس بهشت آیین می ایستاد. مقاله چهارم در ذکر شغل قورچیان یراق و غیره سوی قورچی رکاب که در باب سیم در تحت جمعی که ملقب به لقب مقرب الخاقان بودند نوشته شد. شغل تنمه دیگر به یک نحو است که به مناسبت سپرده از اسلحه و یراق داشتند که در مجالس و سواریها و اسفار سانحه بایست همگی حاضر و همراه داشته باشند، و در وجه هر یک مواجب به عنوان مختلف مقرر بود. و این مقاله مشتملست بر دو مقصد:

- اول مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی شمشیر.
 - دوم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی صدق.
 - سیم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی تیر و کمان.
 - چهارم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی ششپر.
 - پنجم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی خنجر.
 - ششم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی زره.
 - هفتم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی سپر.
 - هشتم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی تفنگ.
 - نهم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی مزداق.
 - دهم مقرب الحضرة العلیة العالیة قورچی نجق.
- مقصد دوم آنانکه مقرب الحضرة نبودند و در رتبه کمتر از قورچیان فوقند بدین ترتیب:

- اول قورچی کفش.
- دوم قورچی نیزه.
- سوم قورچی چتر.
- چهارم قورچی قلیون.
- پنجم قورچی صندلی.
- ششم قورچی چوگان.

هفتم قورچی جرید^۱.

مقاله پنجم در بیان شغل و خدمت صاحب جمعان بیوتات که مقرب الحضرة بودند
سواى صاحب جمع خزانة عامره و قورخانه که در باب سیم در تحت جمعی که ملقب به لقب
مقرب الخاقان بودند نوشته شده . شغل تنمۀ دیگر شبیه به یکدیگر است ، و به مناسبت
هریک تحویلی و خدمتی دارند ، و در وجه هر یک به عنوان مختلف رسوم مقرر است .
و مواجب و تیول آنها به شرحیست که بعد از اسم هر یک نوشته شده^۲ :

اول مقرب الحضرة العلیة العالیة فراش باشی که مبلغ هفتاد تومان و سه هزار و
چهل و یک دینار مواجب داشته .

دوم مقرب الحضرة العلیة العالیة شیره چی باشی که مبلغ صد تومان مواجب و ۱۲
تومان انعام همه ساله در وجه او مقرر بود .

سیم مقرب الحضرة العلیة العالیة رکاب دار باشی که مبلغ ۴۸۹ تومان و ۱۰۰۶ دینار
مواجب و ۵۰ تومان انعام همه ساله در وجه او مقرر بود .

چهارم مقرب الحضرة العلیة العالیة کتاب دار باشی که مبلغ پنجاه تومان در وجه او
مقرر بود .

پنجم مقرب الحضرة العلیة العالیة قیجاچی باشی که ۴۵ تومان مواجب و تیول دارد
که بر آوردی ششماهه^۳ او و طلب دفتری ۱۱۷ تومان و ۴۱۵۸ دینار می شود .

ششم مقرب الحضرة العلیة العالیة ملک التجار ممالک محروسه و صاحب جمع
قیجاچیخانه^۴ خاصه و خیاطخانه که مبلغ ۴۰ تومان در وجه او مقرر بوده .

هفتم مقرب الحضرة العلیة العالیة آب دار باشی که مبلغ ۸۷ تومان و ۶۰۰۰ دینار مواجب
و بر آوردی تیول در وجه او مقرر بود .

هشتم مقرب الحضرة العلیة العالیة قهوه چی باشی که مبلغ پنجاه تومان مواجب و
دو هزار من گندم به وزن شاه هر ساله به صیغه^۵ انعام در وجه او مقرر بود .

۲- شماره های نهم و سیزدهم در نسخه دیله نمی شود .

۱- سازمان ص ۸۷ .

دهم مقرب الحضرة العلیة العالیة زیندار باشی که مبلغ ۲۰ تومان مواجب و تیول داشته که بر آورد آن مبلغ ۶۰ تومان و ۵۸۴۸ دینار می شود .

یازدهم مقرب الحضرة العلیة العالیة شربت دار باشی که مبلغ ۳۴ تومان و ۶۹۰۰ دینار تومان مواجب در وجه او مقرر بوده .

دوازدهم مقرب الحضرة العلیة العالیة مشعل دار باشی که مبلغ دوازده تومان مواجب در وجه او مقرر بوده .

چهاردهم مقرب الحضرة العلیة العالیة حویج دار باشی که مبلغ ۱۵ تومان مواجب در وجه او مقرر بوده .

پانزدهم مقرب الحضرة العلیة العالیة نقاش باشی که مبلغ ۳۰ تومان تبریزی انعام همه ساله از داروغگی ارامنه اصفهان در وجه او مقرر بود که به علت مواجب طلبی ننماید . شانزدهم مقرب الحضرة العلیة العالیة صاحب جمع شترخان که مبلغ بیست تومان مواجب در وجه او مقرر بوده .

هفدهم مقرب الحضرة العلیة العالیة انباردار باشی که مبلغ دوازده تومان در وجه او مقرر بوده .

مقاله ششم در بیان شغل و خدمت توابع عالی جاه ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلی .
و این مقاله مشتمل بر دو مقصد است :

مقصد اول آنان که مقرب حضرة العالیة اند . و جای ایشان سوای قاپوچی باشی در وسط مجلس بهشت آیین می باشد . و این مقصد مشتمل بر سه فصل است :

فصل اول در بیان شغل یساولان صحبت اکثر ایشان امرزاده و معتبرتر از ایشیک آقاسیان دیوان اعلی بودند . شغل ایشان اینکه باید در سفر و حضر و مجالس حاضر و در خدمت باشند ، و در تعیین هر یک از صحبت یساولان و ایشیک آقاسیان دیوان اعلی او را در مجلس حاضر ، و به خدمت اقدس عرض می نمود . بعد از آنکه پادشاه آن خدمت را شفقت می فرمودند ، او را در حضور پادشاه دراز می کرد و به آن دکنک مرصعی که در دست داشت

سه دفعه چوب طريق می زد . بعد از آنکه برمیخواست دکنک دیگر بدست او می داد ، آن دکنک را گرفته می بوسید به این معنی که به خدمت مزبور سرافراز گردید . و در مکان معینی که می دارند عالی جاه مشارالیه او را بازی داشت ، و تصدیق و تجویز خدمت و مواجب ایشان به عالی جاه مشارالیه است . و به عرض و تصدیق او منصوب و معزول می کردند .

و در ایام گیتی ستان سه نفر بودند که قائم مقام عالی جاه ایشیک آقاسی باشی بودند ، و در مجالس خلوت خدمت می نمودند . و چند نفر نیز یساول نظر بودند که هر وقت پادشاه از حرم برمی آمدند ، در هر جا که بودند در نظر حاضر به خدمات مرجوعه اقدام می نمودند . و بعد از آن خدمت مزبور متروک شد . و در ایام سلاطین دیگر یساولان صحبت از سه نفر تجاوز نموده ، در ایام شاه سلطان حسین به سی و پنج نفر رسید .

و در حضر به نوبه به کشیک حاضر ، و در سفر همگی می بایست در رکاب ، و همه شب در کشیک حاضر باشند . و به خدمات و اسفار دیگر نیز مأمور می گردیدند . و اکثر مبلغ سی تومان مواجب و تیول داشته ، و بیشتر و کمتر نیز بود . و در مجلس بهشت آیین باتاج طومار می ایستادند .

فصل دوم در بیان شغل ایشیک آقاسیان دیوان . خدمت مجلس را مشارالیه می کردند . جماعت مزبوره از بیگ زاده ها و آقابان معتبر بودند ، هر یک که لیاقت و قابلیت خدمت حضور داشت ایشیک آقاسی می نمودند . و در سفر و حضر و مجالس بایست حاضر باشند . و به خدمات دیوانی و اسفار نیز مأمور می گردیدند . و به خدمت کشیک بدستور یساولان صحبت اقدام می نمودند . و تصدیق مواجب و خدمت و امر و نهی ایشان با عالی جاه ایشیک آقاسی باشی دیوانست .

و بعضی از ایشان مبلغ سی تومان مواجب و تیول ، و برخی بیشتر و کمتر نیز داشتند . و جیره ایشان دستور معینی دارد که از مشرفان ظاهر می شود . و در مجلس بهشت آیین با تاج و طومار می ایستادند .

فصل سیّم در بیان شغل قاپوچی باشی دیوان . مشارالیه جمعی از قاپوچیان تابین دارد ،

امر ونهی و نظم و نسق در ب دولت خانه میدان و پای کشیک خانه و سمت مطبخ و سمت چهار حوض و علی قاپو و روزهای مجلس در هر عمارتی که پادشاه مجلس می فرمودند با قاپوچی باشی و سایر قاپوچیان بود . و مشارالیهم با توابعین می بایستت در سفر و حضر در رکاب ظفر انتساب حاضر باشند ، و به خدمات اشتغال نمایند . و قاپوچی باشیان را به خدمات و اسفار نیز [مأمور] می کردند ، و او تابعین تعیین می نمود ، و خود متوجه آن خدمت می شد . و قاپوچی خلوت نیز علی حده بود . و تصدیق خدمت و مواجب و امر و نهی ایشان با عالی جاه ایشیک آقاسی باشی دیوان بود .

مقصد دوم در بیان شغل آنانی که مقرب الحضرة نیستند، و توابعین عالی جاه ایشیک آقاسی باشی دیوان و مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی دیوان [اعلی] و مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی حرمند، و این دو فصل است :

فصل اول در ذکر یساولباشیان و غیره . یساولان توابعین عالی جاه ایشیک آقاسی باشی دیوان اعلی اند ، و ایشان دو صنفند همیشه کشیک و سفری .

شغل همیشه کشیکان اینکه شبها و روزها کشیک در سفر و حضر در دولت خانه به کشیک قیام می نمایند ، و به تائینی عالی جاه دیوان بیگی مقرر ، و به خدمت احضار ، و سایر خدماتی که رجوع نماید به تقدیم می رسانند . سوای مقدمه تشخیص قتل که به عهده جماعت آجر لوکه در سلک قورچیان ملازم بودند می شد . و به طایفه دیگر مرجوع نمی گردید . و شغل سفرکشان اینکه بدستور سایر عساکر به اسفار مأمور می گردیدند ، و مواجب ایشان بعد از رسیدن نسخه و تصدیق حضور از سرداران به موجب کیفیات دفتری که به تجویز ایشیک آقاسی باشی و رقم عالی جاه وزیر دیوان اعلی رسیده باشد تنخواه و تصدیق داده می شد . و خدمت مزبور مخصوص ایل و اویماق بوده ، و هر تیره و اویماق یساولباشی علی حده داشت .

و آنچه همیشه کشیک بودند کشیک باشی داشتند که یساولباشی و کشیک باشی در کشیک خانه عالی جاه دیوان بیگی می ایستادند . و خدمت احضاری که بهم می رسید

به تصدیق ایشان به عهدهٔ يساولان تعلیقه و حکم می‌نوشته‌اند که افراط و تفریطی در ارجاع خدمات واقع نشود. و تنخواه و تصدیق همیشه کشیکان را نیز کشیک نویس تصدیق می‌نموده.

فصل دوم در شغل ایشیک آقاسیان حرم محترم . هر یک از ایشان در روز کشیک خود در درب دولت‌خانه حاضر می‌شدند ، وجیره و مواجبی داشتند، و تا این مقرب الخاقان ایشیک آقاسی باشی حرم بودند ، و به امر و نهی او خدمت می‌کردند ، و به تصدیق و به تجویز او بعد از آنکه کیفیت ایشان به رقم عالی‌جاه وزیر دیوان اعلی می‌رسید تنخواه و مواجب داده می‌شد .

باب ششم در ذکر شغل اصحاب دفترخانهٔ همیون اعلی و غیزه ، ارباب قلم و وزراء و غیرهم . و این باب مشتمل بر چهار مقاله است :

مقالهٔ اول در بیان شغل اصحاب دفترخانه که مجلس نشین نیستند . و این محتوی **برده فصل است :**

فصل اول در بیان شغل صاحب توجیه . شغل او آنست که باکل ارباب قلم سرکارات خرج هم قلم ، و هر قسم داد و ستدی که در دفترخانه شود باید به خط و مهر او برسد . و دوازده نفر محرر داشته که هر یک از آنها سررشته بر طلب و تنخواه و انعام و همه ساله و تیول و سیورغالات و معافیات بیگلربیگیان و حکام و سلاطین و سایر عساکر منصوره نگاه می‌داشتند . و کل ارقام و احکام و پروانجات مناصب دیوان اعلی و ملازمت و تیول و مواجب و همه ساله و معافی و سیورغال و وظایف و امثال آنها ، اعم از آنکه از دفتر دیوان یا خاصه یا ارباب التحویل و غیره گذشته باشد ، باید به ثبت سرکار مزبور برسد . و کل محاسباتی که در دفتر نوشته شود سوای محاسبهٔ صاحب جمعان بیوتات معموره و تحویل داران عمارات و امیر آخوران و غیره که متعلق به سرکار ارباب التحویل است ، و در باب صدور ارقام و احکام و استمرار حوالجات و مستمریات و طلب و تنخواه عساکر و غیره و هر کیفیتی که از سرکارات در جواب حقیقت وزیر دیوان اعلی نویسند ، باید به تصدیق سرکار مزبور برسد . و دستور العمل رسومات ارباب مناصب با اوست .

و هریک از ارباب مناصب که معزول یا متوفی می شدند ضبط سررشته رسومات ایام تعطیل آنها به عهده او می شد که ضبط نماید، و سررشته منقح بر آن در دست داشته، به قلم سرکارات جمع دهد که داد و ستد نمایند.

و بدین موجب موجب و رسوم در وجه او مقرر بوده

موجب و غیره ۲۰ تومان.

رسوم از قرار تومانی.

از بابت تیول و همه ساله و براتی امراء:

تیول ۱۱ تومان و ۶۰۰ دینار یک چارک، همه ساله ۷۰۰ دینار، براتی ۳۰۰ دینار ۳ چارک.

از بابت موجب و حق السعی عمال و انعام امراء و جمعی که ملازم نباشند و سیورغال و معافی و اقطاع تملیک و اجارات ۲۲ دینار.

از بابت تیول و قرار موجب و انعام قورچیان و غلامان و تفگچیان و توپچیان ۵۰ دینار.

از بابت تنخواه همه ساله و براتی ایضاً ۲۰ دینار.

از بابت [آنچه] که هر ساله به صیغه علف التنور از وجوهات و قزوين در وجه او مقرر بوده که برات می گرفته ۲ تومان و ۲۵۰۰ دینار.

و در توشقان نیل ۱۱۲۴ شانزده نفر نویسنده در سرکار توجیه ملازم بود، و مبلغ یکصد و هفتاد و نه تومان موجب داشته اند.

بقیه در شماره بعد